

شهید ابراهیم بنافی




ازتبار علی
سازمان جامع سوادداری و آموزش عالی ایران

نام پدر	حاجی
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۰۳/۲۰
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۱۱/۲۰
محل شهادت	عین خوش
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	مزارعی

زندگینامه

زندگینامه شهید

بیستم خرداد ماه سال چهل و هفت هجری خورشیدی روز تولد یکی از نوجوانان برومند و پیکارگر صحنه های رزم و ایثار است که جانانه جنگید و جان خود را به جانان تقدیم و به جنت سفر کرد. «ابراهیم بنافی» فرزند حاجی در خانواده ای متدین و با ایمان در وحدتیه (مزارعی) پا به عرصه ی وجود نهاد.

دوره ی تحصیلی ابتدایی را در سن هفت سالگی در دبستان طالقانی آغاز کرد. چون پیش از آن کلام خدا را فرا گرفته بود توانست با موفقیت، این مقطع را ادامه دهد. سال چهارم ابتدایی بود که انقلاب اسلامی به رغامت امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. این اتفاق بزرگ و شکوهمند بر روحیه ی حساس و کودکانه ی وی تأثیر شگرف گذاشت و او را به صفوف آهنین مبارزین انقلابی پیوند داد.

با وجود سن کمی که داشت پس از پایان دوره ی ابتدایی، فعالیت انقلابی خود را با نام نویسی در بسیج محل آغاز کرد و همراه و همدوش بسیجیان سلحشور در پایگاه محل به یادگیری آموزش های سطحی و مقدماتی پرداخت. و اول آذر ماه سال شصت و یک جهت آموزش نظامی به جهرم اعزام گردید.

او یکی از تخریبچیان سلحشوری بود که به همراه همزمان دلاورش با همت والای خود در عملیات والفجر مقدماتی با ندای یا الله مین های کاشته شده ی دشمن بعثی را خنثی کرد؛ ولی با انفجار یکی از مین ها یک پایش قطع شد و بدنش مورد اصابت ترکش مین قرار گرفت و راه یاران و همزمان خویش را با فدای جان عزیزش در تاریخ بیستم بهمن ماه سال شصت و یک باز کرد.

وصیت نامه

وصیت نامه ی خود را در آخرین لحظات اعزام به جبهه چنین می نویسد :

« ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون . سلام بر حسین ، سرور شهیدان و بر تمامی شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی و سلام بر امت مسلمان و بیداد دل ایران . ای مسلمین ! بدانید که هر که در راه خدا کشته شود مرده نیست ؛ بلکه زنده است و پیش خدا روزی می گیرد .

اینجانب ابراهیم بنافی هم اکنون راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل هستم و می خواهم دینی را که اسلام به عهده ی من قرار داده ادا کنم . می خواهم رهسپار جبهه ی نبرد حق علیه باطل شوم و با یاری برادران عزیزم بر صدامیان بشویم و با کمک برادران یا آنها را هلاک کنم و از این مملکت خلاص کنم و یا تا آخر در راه خدا پیکار کنم تا به درجه ی شهادت نایل آیم .

پس پدر و مادر و خواهران و برادران عزیزم ! نگران من نباشید زیرا کسانی که به جبهه ها می روند و شهید می گردند ، در راه خدا کشته می شوند و ما از کشته شدن در راه خدا باکی نداریم ؛ زیرا به رستگاری می رسیم . والسلام علیکم و رحمته الہ و برکاته . ابراهیم بنافی . سلام بر حسین پرچمدار شهیدان . »

مصاحبه

به گفته ی آقای نعمت اله بنافی همه ی آرزو و علاقه ی برادرش در رفتن به جبهه خلاصه می شد . به همین منظور چون جواب منفی از مسئولین اعزام کننده شنیده بود ، در شناسنامه ی خود دست برد و تاریخ تولد خود را تغییر داد تا به آرزوی خود برسد . وی پس از پایان دوره ی آموزشی خود راهی جبهه شد .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران